

۸ مارس روز جهانی زن را به زنان مبارز و بیکارگر سراسر جهان که برای رهائی خود و دیگر زنان تحت ستم با به چالش کشیدن رژیمهای عقب مانده و قدرتهای بزرگ سرمایه داری و نمایش قدرت اراده و عمل خود، دنیای آنان را به لرزه در آوردند شادباش می گوئیم. همچنین به مردان آگاه و عدالت خواه سراسر جهان که با تلاشهای خستگی ناپذیر خود زنان را در این ستیز یاری رسانده اند درود می فرستیم.

روز ۸ مارس فرصتی است مناسب برای تجلیل از دست آوردهای بیکار میلیونها زن در سراسر جهان و تجدید پیمان با آن دلیر زانی که به زندگی خود از راه مبارزه و رویارویی با استثمار و ستم بر مردان و زنان زحمتکش جهان و به ویژه علیه آپارتاید جنسی، نابرابری و تحقیر معنی و مفهوم بخشیدند. با درود به ستارگان سرخی که در این راه از چکیده جان خود مایه گذاشتند و در زندان ها تحت شکنجه مزدوران، در خیابانها با تحمل سیلی و شلاق، در برابر آتش گلوله ها، گاز اشک آور و باطوم، نگاه در نگاه و رو در روی پاسداران سرمایه، زور و جهل مذهبی فریاد نه سردادند. آنها گفتند مرگ آری اما اسارت هرگز. اینها زانی بوده و هستند که با پشتیبانی و سازماندهی میلیونها زن در سراسر جهان، در کارخانه ها، اداره ها، کارگاه ها، بیمارستانها، مدارس، و حتی در خانه های خود واژه پر قدرت و عاصی "نه" را هر روزه با پرداخت بهای سنگینی تکرار کرده اند. ما با ادامه سنت زن فدائی بار دیگر پر اراده تر و پر امید تر با همه این زنان تجدید پیمان می کنیم. طی سال گذشته مبارزه زنان جهان در پهنه های گوناگون همچنان جریان یافت. نبرد زنان ایرانی علیه رژیم دیناسوری خامنه ای-خاتمی و چنگالهای اختاپوسی آنان یعنی زنان مرتجع و خود فروخته و نیز آخوندهای فاقد وجدان انسانی که ثروت و قدرت پرستی و تحجر زن ستیزی را در خود یک کاسه کرده اند، یک صحنه ی این ستیز بود. در گستره ای دیگر زنان افغانی در بند طالبان که مورد تهاجم نظامی و دروغ گوئی سود جویان آمریکائی قرار گرفتند و زنان سراسر جهان که مبارزه علیه جنگ و برای صلح را سازماندهی کرده و پیش بردند - که به راستی چه کسی زخم دیده تر از آنان که آفریننده و پرورش دهنده قربانیان ماشینهای جنگ هستند - کارزاری ملی و بین المللی را شکل داده و به پیش بردند. شرکت گسترده زنان در موج تظاهرات و اعتراضات بین المللی در سیاتل، واشنگتن، پراگ، ملبورن، پورتوالگرو... به خوبی صدای آنان را به گوش مردانی که تاروپود اقتصاد جهان را برای سود رسانی به کمپانیهای بزرگ صنعتی و به نام کمک به مردم فقیر می بافند، رساند. جنبش زنان علیه جهانی سازی در برابر WTO (سازمان تجارت جهانی)، IMF (صندوق بین المللی پول) بانک جهانی، اتحادیه اروپا و این پرسش را قرار داد که چگونه است بیش از دو سوم کار جهان را زنان انجام می دهند اما تنها ۵ درصد از درآمد کل جهان به آنان تعلق می گیرد.

اگر چه استثمار زن که در مزد کم، خشونت خانگی، تجاوز، تحقیر جنسی، ستم دوگانه، تحمیلات فرهنگی و غیره.. نسبت به آنان بروز می کند، همگی از آثار و پیامدهای لگام گسیختگی نظم سرمایه داری و کوچک ابدالهای آن است، اما مبارزه برای رهائی در ستیز با هر گونه ستم و زورگوئی خرد و کلان چه در جامعه، چه در محیط کار، چه در خانواده و چه در مبارزه سخت و پیگیر سیاسی و انقلابی است که صیقل خورده و آتش خشم و کینه نسبت به ظلم و نابرابری را در آتشکده سینه شعله ور نگاه می دارد. در این مسیر مردان که خود بندهای استثمار سرمایه داری بر دست و پایشان گره خورده، کار می کنند و تحقیر و توبیخ می شوند، می بایست به زنان مبارز پیوسته و به ویژه در پیشبرد مبارزه آنان برای رفع ستم جنسی، از زنان که در مرکز و قلب آن قرار دارند رهنمودو یاری بگیرند. برای زنان و مردان، انسانهایی که قربانی ستم سرمایه داری و بهره کشی هستند به ویژه برای انسانهای پیشرو و انقلابی، هر چه بیشتر رادیکالیزه کردن خود در راه دستیابی به سوسیالیسم و پایان بهره کشی انسان از انسان ضروری و غیر قابل چشم پوشی می باشد. مبارزه برای رهائی زن از ستم جنسی اگر چه از تشکلهای فمینیستی سود می گیرد اما باید همه جانبه بوده و در صحنه نبردهای سیاسی شکل نهائی خود را باز یابد. دستیابی به برابری واقعی تنها از مسیر مبارزه برای رهائی همه مردان و زنان زحمتکش جهان از زنجیر بیداد سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم میسر است. اکنون که ما مسلح به آموزه های مارکس، تجربیات خود و درس آموزی از تاریخ جوامع سوسیالیستی - آنچه که آنان از آن بر خوردار نبودند - هستیم، امر رهائی زن با نیروی اراده و امید، چشم اندازهای روشن و دست یافتنی را در پیش روی خود دارد.